

وحدت آقا

تورنتو، کانادا

۲۲ مارچ ۲۰۲۲

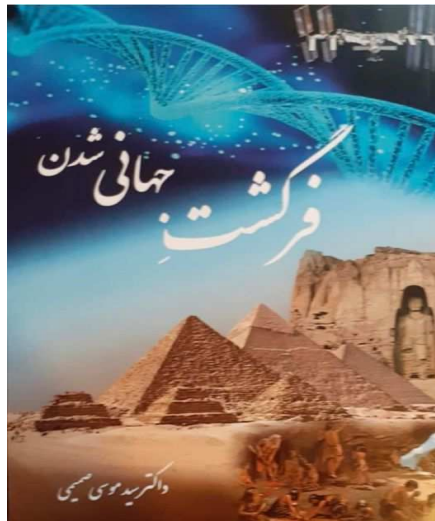
نگاه گذرا به کتاب "فرگشت جهانی شدن"

برداشت من از این اثر داکتر سید موسی صمیمی [\*]

پیش درآمد

پس از انتظار چندی کتاب "فرگشت جهانی شدن" اثر نویسنده ارزشمند آقای سیدموسی صمیمی به دستم رسید. پس از مطالعه‌ی بخش‌های نخستین، کنجکاوی ام بیشتر گردید؛ در اخیر تصمیم گرفتم که نگاه و برداشت خودم را، به امید حفظ امانت داری محتوای این اثر گران سنگ، تحت شش نکته با دیگران هم شریک سازم.

[\*]



چاپ: انتشارات شاهنامه، اکتوبر ۲۰۲۱

برای دسترسی به کتاب/ شماره تلفن در هلند: + 31641375638

زندگی قطره اشکی است فروریخته بر گونه های ما،  
زندگی امید است که ما در نگاه یک دیگر مان جستجو میکنیم،  
زندگی عشق است در اندیشه های ما و  
زندگی کتاب است که عزیزی نوشته برای من و تو

## ۱. جهانی شدن روابط تولیدی

جهانی شدن امروز یکپارچگی جوامع، اقتصاد و سیاست در جهان است، که در اثر توسعه فن آوری در ارتباطات و اسانی حمل و نقل ناشی از شیوه تولید سرمایه داری رشد کرده، باعث توسعه فرقه ای گردیده در اخیر منجر به یک پدیده چند بعدی در روابط جهانیان گردیده است؛ نهایتاً جوامع منزوی در ان ادغام شده و رشد متقابل اقتصادی ملت های جهان که در ان عوامل تولید و منابع طبیعی بر علاوه سرمایه، دانش و نیروی کار ذی دخل میباشند. سپس این پدیده با ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فن آوری آراسته میگردد.

تاریخ بشر شامل مراحل گوناگون تاریخی است، راز گذار یک مرحله به مرحله دیگر، حاوی اسرار که از عوامل سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی بوده، که در بطن عوامل گذار مرحله ای و شناخت آن مستلزم هوشمندی است که از شناخت دینامیک درونی یک پدیده به بیرون تراوش میکند. راز افول یک قدرت را در تضاد درونی بحران زای وی بایست جستجو کرد.

کتاب "فرگشت جهانی شدن" نخست دینامیک کلاسیک را به بحث گرفته که محصول پژوهش چند ساله و رابطه مستقیم نویسنده، مردی از جهان رستگاری و بردباری، در پی رزم گشایی رویداد های دنیای سیاسی پر از تلاطم، در قالب "فرگشت جهانی شدن" رفته است. وی در هفت بحث سیاسی و تاریخی این پدیده را، به مثابه گذار از هفت جنگ رستم با دریافت گذار مراحل اقتصادی، سیاسی و نظامی به خصوص یک صد سال اخیر که از ظهور سیاسی ایالات متحده امریکا میگردد، رقم میزند. در این اثر برهی نخستین بار با واژه های "خود مدار و پیرامونی"، با تشخیص مشخص آشنا میگردیم.

## ۲. دگرگونی شرایط حاکم بر جهان

چنانچه فقر انسان ناشی از استعمار کهنه و نو منجر به انکشاف نا موزون در سطح جهانی گردیده است؛ "هم چشمی و تکبر انسان" آخرین خلاقیت بشر پنداشته می شود و رشد اجتماعی انسان از تراوش عقل انسان باید با روند دایمی مبارزاتی خود ادامه دهد.

"کشور های نو ظهور" با سرعت رشد پایه اقتصادی بالایی، استراتژی بلا منازعه امریکا را به چالش کشانده اند. نظام "سوسیالیسم واقعاً موجود" قرن بیست در بند تضاد های ایدئولوژیک خود در شوروی سابق از درون نظم غیر سرمایه داری تزار روس که فاقد شرایط گذار برای انقلاب سوسیالیستی بود، در کمال نا پختگی مصنوعی زاده شد. "حزب نخبگان" به مثابه پیش آهنگ پرولتری، خود به سوسیالیسم منتهی گردید، که جامعه را زیر حاکمیت فرهنگ خشونت و تولید ترس و هراس به استثمار زحمت کشان کشاند. زندانی کردن، شکنجه،

اعدام و تبعید و رشد نا موزون اقتصادی توام با سیاست "شفافیت و دگر گونی" در اخیر منجر به تجزیه و اضمحلال شوروی گردید.

این فرایند به جهان یک قطبی امریکا و کشور های پیرامونی منجر شد. سیاست امریکا در پی جستجوی سلطه خود به، اضافه دانشگاهیان نو لیبرالیسم با ارایه کردن تیوری های سیاسی با مؤلفه های دموکراسی و مسایل اقتصاد سیاسی به تیوری "پایان تاریخ و جنگ تمدن ها" پرداختند. آنها استدلال دموکراسی لیبرال را راهگشای بشر در گستره تاریخ فردای بشریت ترسیم کردند.

اما تاریخ بشر برای یافتن راه کار برای توسعه کلی با نوسانات توام بوده است که در آن یک نظام استبدادی جای خود را با استبداد دیگر تعویض کرده است. هیچ فرضیه ای درست برای ادامه بهتری زندگی اجتماعی ارایه نه کرده است. اینکه بشر در آینده به کجا میرود هنوز نا شناخته است. پایان تاریخ، آغاز ایام شوم است که منجر به بردگی و اسارت مردمان خاور میانه به خصوص مردمان سرزمین هندو کش کوه بابا گردیده است. ادعای ارزش های والای حقوق بشر که یک پدیده جهان شمول بوده، ولی در عمل بوده در خدمت انسان با ادعای نژاد برتر به تعبیر خودش، مبدل گشته است.

### ۲. نقش "دولت پنهان" در ساختار سیاسی امریکا

دولت پنهان سرمایه داری لایه های مختلف فرا مرزی دارد، زمان که یک در صد جمعیت جهان چهل در صد دارایی جهان را غصب کند و ده در صد، هشتاد و چهار در صد دارایی را غصب کنند هشتاد در صد جهان کمتر از ده دالر در روز عاید داشته و توسط حلقه های خود بافته دولت پنهان مدیریت شود، و در پیوند هم فکری، سیاسی و اقتصادی تعاملات اقتصادی و سیاسی جهان را کنترل کنند، جهان دستخوش دگر گونی خواهند گردید، مکانیسم فرگشت ان داستان هزار شب دارد، که اینک در کتاب: فرگشت جهانی شدن، پیشکش میگردد.

سرمایه تولیدی و مالی و فناوری اطلاعات که دولت ایالات متحده را تحت کنترل خود دارد و در تدوین سیاست ها نقش مهم دارد، مفهوم دولت را در یک دولت پنهان با الیگارشی مختص به خود پنهان کرده است، یعنی دولت نماینده نهادهای مقتدر سرمایه بوده که تاسیسات بانک جهانی را به تصرف خود در آورده و کشور های دیگر را از این طریق در زیر سیطره خود با سیاست نظامی گری در هفتاد کشور که هشت صد پایگاه نظامی، نقش چشمگیر ارد. بر صیانت سرمایه جهانی کنترل عام و تام دارد.

اضافه تولید سرمایه، انباشت سرمایه جدید را در بطن دارد و داخل بازار ممالک پیرامونی به علت نیروی کار ارزان مانند مار، پیچ و تاب میخورد، و زمینه های انباشت اولی یا بدوی سرمایه را به وجود آورده که مکانیسم جهانی شدن سرمایه را بازتاب میدهد، نمونه ان چین و هندوستان را بایست نام برد، این روند به خوبی در فرگشت جهانی شدن تحلیل و تجزیه شده است. کوچ

کشی سرمایه داری با ابزار تولید خود در کشور های پیرامونی با شعار لبخند تولید(هر جا که سرمایه بیشتر به ارمغان بیاورد وطنم خواهد بود)، جهانی شدن را تسهیل بخشیده است.

#### ۴. دگرگونی روابط تولیدی با نقش امریکا

حرکت مصنوعی سرمایه به حرکت طبیعی خود جاده بدل کرده است. حرکت بطی اقتصادی ایالات متحده در بیست سال ۱۹۹۰ الی ۲۰۱۰ در مقایسه حرکت سریع رشد عایدات نا خالص چین و هند در این بیست سال دال بر جهانی شدن سرمایه را نشان میدهد با وجودی که

ایالات متحده بازهم در صدر جدول قرار داشته ولی زمان گیری رشد سرمایه در جهان، استراتیژی بلا منازعه ایالات متحده را زیر سوال میبرد. جهانی شدن پس از سالهای ۲۰۱۰ فصل دیگری از گذار جهانی شدن مثل داستان دل انگیزی در کتاب "فرگشت جهانی" به تحریر درآمده است. حرکت دورانی سرمایه، دایره بزرگتر سرمایه را تولید میکند و این افراد جامعه را به مصرف گرایی سوق میدهد، و با ملاحظات فرهنگی در نتیجه ایالات متحده ول خرج و مصرف گرا گردیده و این در نقطه متقابل چین غیر مصرف گرا و پس انداز جو قرار میگیرد، بیشتر در آمد مصرف کردن و بالعکس بیشتر از مصرف در آمد داشتن، چین را به بزرگترین وام دهنده ایالات متحده با خرید اسناد بها دار امریکایی تبدیل کرد و این دو کشور را به وابستگی متقابل کشانده است. ذهنیت یک فرد امریکایی در فلسفه رویای داشتن خانه شیرین به ترکیدن حساب خانه در اقتصاد امریکا منجر گردید. بازار سهام افت بی سابقه پنجاه در صدی را

متحمل شد، سی تریلیون دالر امریکایی ضرر، امریکا را به تزریق پول در اقتصاد ان کشور وا داشت. این روند ممالک اروپایی و ژاپن راهم دامنگیر ساخت که این نهادینه سازی بهتری در مدیریت بحران را به وجود آورد و تشکل گروه هفت را وادار به تشکل گروه بیست ساخت که از ان استفاده ابزاری کنند. گروه هفت که خود یک اتحاد هفت کشور صنعتی برای تفهیم جلو گیری تک روی بود، به تضامیم گروهی وادار ساخت. در نتیجه دست نا مرئی بازار آزاد توام با نوسانات با تیوری بحران اقتصادی در قالب لیبرالیسم جدید با تیوری تقاضای موثر ادغام گشت. گروه بیست که خود هفت کشور صنعتی عضو ان اند با علاوه روسیه، چین، برزیل، هندوستان، کره ای جنوبی، استرالیا، مکزیک، عربستان، اندونزی، افریقای جنوبی و ارجنتاین، شصت و پنج در صد جمعیت جهان، هشتاد و چهار در صد عایدات نا خالص درون مرزی جهان را تشکیل میدهند، به توافق کلیدی اقتصاد جهان رسیدند. اروپا ناچار به نفع کشور های پیرامونی امتیاز قایل شد و این گام جهانی شدن تدریجی اقتصاد را نوید داد. زیرا در این میان خواهان همکاری بیشتر با عقب مانده ترین کشور ها گردیدند. این به معنی نیات نیک آنها نبوده بلکه جبر بحران اقتصادی آنها بود. گروه بیست هنوز مشروعیت آن از نظر نهاد های اجتماعی در همبستگی جهانی زیر سوال است.

## ۵. افت کشور های خودمدار کلاسیک

تقسیم بندی جدید جهان از لحاظ شاخص های جهانی شدن از نظر اقتصادی سیاسی به ابتکار نویسنده به خود مدار و پیرامونی بحث فوقالعاده مهم با ارتباط شناخت بهتر از دنیای سیاسی را در اختیار ما قرار میدهد. خود مدار که خود به دو کتگوری کلاسیک و نو ظهور بازگویی شدت و سرعت سبقت جویی را باز تاب داده و ممالک پیرامونی به چهار کتگوری دیگر بازگویی تقسیم شدن جهان از لحاظ پیوندهای قوی و ضعیف درونی اقتصادی، جهانی شدن را در آینده جهان ترسیم میکند.

کشور های خود مدار کلاسیک: ایالات متحده، کانادا، آلمان، فرانسه، بریتانیا، ایتالیا و ژاپن، بر علاوه استرالیا، کره جنوبی و تایوان میباشند. کشور های خود مدار نو ظهور عبارت اند از برزیل، روسیه، هندوستان، و چین، که در آینده نزدیک مکزیک و اندونزی به مثابه کشور های در آستانه خود مداری شدن نیز با آنها هم ردیف میگردند. هند در طول تاریخ مورد تاخت و تاز یغما گران استعمار اروپایی قرار گرفته و پس از آن نقشش تاریخی ان با ذهنیت عدم دگرگونی و ایستا به یک جامعه پویا و باز از انحصار دولتی به تصدی خصوصی گام برداشت، لیبرالیسم هندی را تهداب گذاری کرد که نقش ان در فناوری و ارتباطات در سهم جهانی بسیار بالا است.

"فرگشت جهانی شدن" به استناد اعداد و ارقام دقیق توهم این ردیف بندی را مستند ساخته است. افت هژمونی امریکا و سیاست های درون مرزی ایالات متحده بعد ۲۰۱۷ سرزمین استثنایی امریکا را به یک سرزمین وا پس گرای استثنایی سوق داد، مدیریت هژمونی نیاز به تحلیل و ارزیابی داشته، یکی از مشخصه های آن سیاست درون مرزی، سیاست نژاد پرستی و بحران کاهش تولید ناخالص داخلی امریکا همراه با بحران غیر طبعی کرونا، سیاست های غیر اجتماعی درون مرزی آمریکا ماهیت این سرزمین را آشکار ساخت. هویت تباری سفید خود را بازنده احساس کرده، خروج از نهادهای بین المللی از شورای حقوق بشر، سازمان بهداشت جهانی و محیط زیست، بر علاوه لغو پیمان های تجاری، افت تمدن آمریکایی را در جهان رقم زد و او را به انزوا کشانده و نقش امپراتوری و هژمونی آمریکا را به سراشیپی کشاند. حیثیت آمریکا در جهان کاهش یافته و نظم جهانی بعد از جنگ دوم جهانی دستخوش تغییرات گشته و با چالش های تازه روبرو است. ظرفیت های فکری و توانی های اقتصادی آمریکا با ظهور کشور های خود مدار نوظهور زیر پرسش رفته است. متحدان آسیایی امریکا مجبور به باز نگری در سیاست خود در قبال واشنگتن گردیده اند.

جهان وارد دوران جدید شده است که پایان تک قطبی بر جهان است، غرب استعداد انحصار را دست آوردهای علمی و تکنولوژی را از دست داده است. سلطه دالر به مثابه پول در تبادلات و ذخیره جهانی زیر سوال رفته است.

فرگشت جهانی دید ژرف و عمیق در پیوند این موضوع داشته که زینده اوضاع معاصر جهان است. تعمق است.

## ۶. نقش روز افزون چین در فرگشت جهانی شدن

چین و تاریخ تمدن آن پر محتوا ترین بحث فرگشت جهانی را در بر دارد. چین علم بردار کهن ترین تاریخ بشر در قرن هیجده با مداخلات امپریالیستی، مرحله تحقیر ترین تاریخ خود را پشت سر نهاد و انگیزه دگراندیشی را رقم زد. چین سرزمین که شالوده تاریخ چند هزار ساله سیاست اقتصاد و فرهنگ است، مجزا از تعاملات بیرونی و افکار غیر چینی آراسته شده است. فلسفه کنفوسیوس که چراغ راه ملت چین بوده که اساسات آنرا احترام، عشق و فامیل تشکیل داده است، انسان محور بوده و بر خلاف دیگر مذاهب به آسمان نگاه نمیکند و اندیشه فلسفه، اخلاق، فرهنگ و کشور طوری است که رابطه انسان پس از خلقت با آسمان ختم میشود تا راهی برای خود انتخاب کند ولی فرمان برداری از امپراتور با ماموریت آسمانی که نکته پیوند انسان و آسمان میباشد، جز ان بود.

عظمت تاریخی چین را نه تنها فقط جزییات ساختاری دیوار چین متبلور ساخت. قطب نما، کاغذ و باروت که از اختراعات چین باستان میباشد، اساس تمدن چین تاریخی است. در تاریخ چین هیچ حمله به قلمرو غیر چینی صورت نگرفته تا این آیین مقدس توسط چنگیز از شمال دیوار چین در هم شکست. تاریخ و تمدن چینی بزرگ ترین کتاب آموزشی فرگشت تاریخی میباشد که در آن به وضاحت گذار افول یک امپراتوری را به امپراتوری دیگر در درازای دوره دو قرن دید و مطابق ان اولین دوره امپریالیسم جهانی امروزه را در عظمت و افول آن بررسی کرد.

جنگ تریاک که نمونه آنرا در سرزمین خود شاهد هستیم به مثابه کسر ترازنامه تجارتی کمپانی هند شرقی بنگال، یاد آور سال های قرن تحقیر چین خوانده میشود، که از حمله بریتانیا بر سواحل جنوب شرقی چین کوانگ ژو (کانتون) آغاز شد و هانگ کنگ را جز مستعمره خود در آورد، باعث قانونی کردن تجارت تریاک در چین گردید.

در فرگشت جهانی مکانیسم انقلاب دموکراتیک چین در ظهور قشر آگاه چیز فهم و مبارز توام با دست داشتن فنون رزمی

تبلور یافته و آغاز سقوط امپراتوری آسمانی منچو در چین است. انقلاب جبهه متحد با افکار آزادی و دموکراتیک غربی با این قشر ملی، چیز فهم و مبارز در ماهیت ملی ظهور کرده است.

ندای آزادی یک زن چینی در چوبه دار که هیچ هراسی از مرگ ندارم، با شادی میمیرم، چون به پیروزی باور دارم، ما را به یاد زنان مبارز کشور ما انداخته که پیشتاز مبارزات آزادی خواهی این سرزمین علیه استبداد مرد سالاری طالبی اند، به امید مبارزه که زنان کشور ما پیش آهنگ ان بوده ما را رهنمون باشند.

انقلاب جبهه متحد چین که در مسیر حوادث از فراز و نشیب زیادی برخوردار است، نخست از طریق نظامی گری وارد عرصه قدرت شد که بعداً زمینه ساز جنگ های داخلی شد منجر به ایجاد حزب کمونست چین شد. حزب کمونست در سی سال مبارزات خود بالاخره بعد از جنگ دوم جهانی به انقلاب جمهوری خلق چین انجامید و یکپارچگی کشور را رقم زد.

مائو تسه دون به مثابه "مردی که کوه را از جا میکند" و رهبر حزب کمونیست چین سروده ای دارد:

تنها من در سرمای پاییز ایستاده ام،

هزار تپه را میبینم که از جنگل های سرخ شده رنگ شده اند،

عقاب ها هوا را میشکافند،

در زیر آسمان یخ زده یک میلیون موجود در آزادی مبارزه میکنند،

من در این سرزمین بزرگ میشوم،

چه کسی بر سرنوشت انسان حکمرانی میکند،

با کوه با جسارت برخورد میکنیم وبا طغیان رود خانه در میآمیزیم.

ماو تسه دون که در زبان چینی "درخشش شرق" معنی میدهد، روح طغیانگر علیه تظلم در ایجاد جامعه نوع دیگر گام های استوار بر داشت، در سی سال مبارزه رهبری حزب کمونیست چین را رقم زد. ایجاد انترناسیونال سوم یا اتحاد جهانی احزاب کمونیست که به کمین ترن شهرت دارد و معنی آن کمونیسم بین المللی است از بدو تاسی حزب کمونست چین در ۱۹۱۹ / ۱۹۲۱ تا اضمحلال آن در سال ۱۹۴۳ تأثیرشگرف در ایجاد حزب کمونیست چین داشت. وابستگی این حزب از نظر مالی به کمین ترن که خرج سال ۱۹۲۰ این حزب بالغ به خرج پانصد چینی در همان سال بود، وابستگی حزب را به کمین ترن نشان میدهد. همچنان این حزب از نظر تیوری بایست انقلاب دموکراتیک را پیموده وبا احزاب دیگر در ایجاد جبهه ملی متحد بسیج میشدند. مائو در عضویت در دو جبهه و وابستگی حزبی به رویداد ها او را مجبور یک گام به عقب کرد و به بسیج روستاییان و دهقانان و نقش آنان پیش تاز بازی کرد و مسؤولیت جنبش دهاقین را عهده دار شد. اولین گام های

خود را در پژوهش نقش دهاقین در انقلاب را تهیه کرد، تقسیم بندی قشر های مختلف دهاقین مکمل تشخیص طبقات کلی جامعه چین بود. از طریق مسلح سازی دهاقین با شعار "سیاست از لوله تفنگ بر میاید" به انقلاب دهقانی فصل جدید را در جنبش پرولتری دید.

در سال های حمله ژاپن بر شمال شرق چین و متعاقب آن بر شانگ های قشون سرخ حزب کمونیست در آزمون سخت نظامی هم علیه قوای خارجی وهم دولت مرکزی که به حکومت سفید و قشون سفید شهرت دارد، قرار گرفت، که منجر به راهپیمایی بزرگ گردید.

راهپیمایی بزرگ که روزانه در مسافت سی کیلو متر به حملات پارتیزانی دست زده، پس از نبرد های سخت و تلفات زیاد کمک اسلحه و تدارکات از جانب شوروی الهام بخش قدم های سخت و متین مبارزه علیه استعمار را بیان میکند. نود دز صد قشون سرخ چین جان خود را از دست دادند و در نهایت نوید بخش نقش انقلابی این حزب است، هر کسی از این گونه آزمون موفق به در آید و "از دم شمشیر آب خورد نوشش باد". پس انقلاب چین محصول میلیون ها کشته و آواره بوده و بر ما روا نیست که محصول این همه قربانی را آسان بنگریم. جنگ هشت ساله چین علیه قوای خارجی بدون صلح داخلی و دموکراسی نا ممکن بود، اتحاد قوای متضاد در جنگ علیه قوای خارجی امری است که هر کشور از ان اطاعت کند. آنچه عیان است خصوصیات انقلابی این سرزمین با تفاوت کلی جامعه سرمایه داری اروپا در این نهفته بود که چین با ساختار

و خصوصیات امپراتوری چین و تاثیر پذیر از آیین کنفوسیوس باستان آراسته بود و این با خصوصیات عینی و ذهنی جدیدی

آراسته شد که اندیشه جدیدی مائوئسم را در چین نوین پدید آورد .

انقلاب چین که فاقد انقلاب صنعتی در بطن خود بود، بایست با خصوصیات زراعتی ادغام گشته و از نظر علمی با رهکار عملی بایست تطبیق میشد و این تیوری بود که فقط در عمل تحقق می یافت که توام با اشتباهات میتوانست باشد. ده سال بعد در

"جهش بزرگ به پیش" برای رشد صنعت آهن و فولاد، چین را به قحطی بزرگ مواد غذایی روبرو کرد که آمار مختلف تلفات انسانی آن از پنج تا ده در صد جمعیت سر تا سری چین بود.

در انقلاب فرهنگی که در اصل شالوده از تضادهای ایدیولوژیک درون و برون حزبی بود، منجر به پاک سازی اقلیت های قومی و مذهبی و دیگر اندیشان گردید. تیوری انقلابی به یک دگم اندیشی ایدیالیستی جاه عوض کرد و مائو به یک مقام قدس مذهبی با کتاب مقدس (نقل قول های مائو) تبدیل شد. زندگی دو میلیون انسان ساقط و آسیب های روانی بر بیکر مردم چین وارد شد.

در روابط خارجی چین یکی از فاکتور های جهانی شدن اقتصاد چین در قرن بیست و یک، تنش گرایي روابط با شوروی و تنش زدایی روابط با آمریکا بود که منجر به استراتیژی در های باز گردید. باز نگری سیاسی و اقتصادی در تقابل شیوه مائو کاری است که دنگ سیاو پینگ آنرا تحقق بخشید، برای رسیدن به استراتیژی نهایی به نظر دنگ، از هر وسیله بایست استفاده برد. کثرت گرایي اقتصادی، تمرکز زدایی، حکمرانی قانون و سو سیال دموکراسی از آموزه های این شخص است.



همه این ها در کتاب فرگشت جهانی شدن به خوبی بررسی شده است. ژرف اندیشی فرگشت جهانی در فرایند این دگرگونی انقلابی آسان نبوده و مستلزم شناخت و تحقیقات نویسنده از فرگشت جهانی است که در بحث و تحلیل بعدی وضاحت آن بیشتر روشن میگردد.

پایه های اساسی جهانی شدن را در چین بایست جستجو کرد:

در سیاست تحول و انکشاف اجتماعی چین در هفتاد سال اخیر مراحل گذار جهش و کلی را در سیاست حزب کمونیست چین میتوان مطالعه کرد، پیروزی حزب کمونیست به رهبری مائو که جهش اساسی و بنیادی را در بر دارد در مدت زمان سی سال و بعد تغییر جهش در ساختار سیاسی و تیوریکی به راهبری دنگ سیاو پینگ را در بردارد در مدت سی سال و در اخیر پراکتیک عمیقی و مسلط برای گسترش نفوذ بیشتر و سهم بارز به راهبری "شی جن پینگ"، از ده سال بدین سو در سیاست خارجی شاهد تحولات عمده و تعیین کننده دیگر میباشیم، تنش گرای و قطع رابطه با مربی خود اتحاد شوروی، نزدیکی با امپریالیسم ایالات متحده و استفاده ابزاری سیاسی و اقتصادی از این روابط و در اخیر تنش گرای اقتصادی و سیاسی در رقابت با امریکا در تلاطم تغییرات ساختاری جهانی و جهان پسا امریکا.

هدف نهایی چین در قبال جهان ایجاد نظام مجزا با مشخصات چینی و در حین زمان همکاری با نظام حاکم جهانی که رابطه او را با پول جهانی و تجارت مستحکم نگاه دارد و نقش تاثیر پذیر خود را مشخص کند. گروه بریکس و شانگ های در آینده جهان نقش امپراتوری چین را مشخص خواهد کرد. ایجاد همکاری اقتصادی بین بازار آزاد سرمایه و سیستم چین در این نهفته است که چین در رقابت تولیدی سرمایه را به نفع سیستم جهانی و با ایده مردم داری حفظ کرده، مکانیسم سوسیالیسم جهانی را نطفه بندی کند. در تقابل سیستم سرمایه داری غرب که در نهایت در خدمت خود سرمایه بوده است.

داد و ستد چین با افریقا به دو صد میلیارد دالر و بالمقابل سرمایه گذاری چین در افریقا از مازاد این تجارت به مبلغ صد میلیارد بازگویی نقش چین در ایجاد مشاغل و کارخانه ها نقش مثبت او را در سیستم جهانی بازتاب میدهند.

نفوذ در حوزه سنتی اروپا یعنی عرب و حیات خلوت امریکا یعنی امریکای لاتین به شکل خزنده کار بسا استراتژیک چین است که دارد در جهانی شدن نقش بازی کند. در بهره برداری چین در این حوزه که آیا استثمار گرایانه عمل میشود، بایست با احتیاط بررسی کرد.

یکی از نقاط اساسی و بنیادی فرگشت جهانی شدن در بند عملی ساختن یک ساختار اقتصادی و سیاسی کل بر پایه های عدالت نسبی سر تا سری در جهان است، راز شکستن این طلسم جادویی به فاکتور های مختلف انسانی، طبیعی و تاریخ تحول اجتماعی را میتوان جستجو کرد، راه کاری که خدا پناه نبوده و اندیشه خود انسان در محور آن قرار گیرد. در چین ما شاهد تحول عمیق

روابط اقتصادی و سیاسی انسان محور خواهیم بود. نظام سوسیالیسم نوین در چین شالوده سیستم ترکیبی و دو چهره و مختلط دو لایه ای که در آن روابط بازار آزاد بر اساس نظام سوسیالیسم که در آن مالکیت خصوصی نسبی انسان قبول بر پایه های عدالت اجتماعی سنجیده شده است. هماهنگ کردن دو پدیده متضاد مستلزم مدیریت سالم است. انسان در بطن خود حس مالکیت شخصی و خصوصی را از طبیعت به ارث برده است و اگر انتظار انقلاب فرهنگی اندیشه انسان هستیم بایست مالکیت شخصی و خصوصی را با مدیریت بر پایه های فرهنگی، علمی و انسان محوری تحول داد.

چین راه صد ساله تحول را در چند دهه پیموده است و این بیانگر جادویی این نظم را بیان داشته که باید موشکافی شود. شایسته سالاری در این راه همیشه پیش قدم است. به امید روزی که چین یک الگوی راستین و صادق خلق های جهان بوده و آینده بشریت را رهنمون باشد.

در انقلاب انفورماتیک چین حالا دست بالایی در رقابت شرکتهای گوگل (الفابت)، آمازون، فیس بوک، مایکرو سافت و اپل داشته که با ایجاد علی بابا که مانند آمازون عمل میکند، تنسنت چینی که رقیب گوگل بوده بر علاوه بایدو، هوا وای که در رقابت با

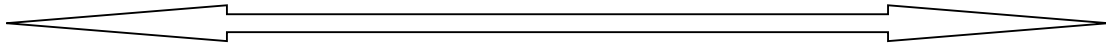
شرکت های مخابراتی غرب قرار دارند در سرعت اینترنتی در فراز قله قرار گرفته اند. در امریکا این غول های سرمایه داری دولت را کنترل میکنند، در حالیکه در چین نظام دولتی چین را زیر پرسش برده و قدرت تحمیلی سرمایه آنها در ساختار سیاسی چین نقش عمده ندارند یعنی ساختار سیاسی چین محصول نفوذی این شرکت ها نبوده که نقش در تعیین سیاست داشته باشد که مانند امریکا "دولت پنهان" را بسازند. با فناوری کامپیوتر و ارتباطات و مخابرات دنیا را میتوان در یک ثانیه دور زد، تقلیل بعد زمانی سفر در نقاط دیگر دنیا، جهان را به یک دهکده تبدیل کرد. ولی اینکه چطور در مسیر تکامل خود انحراف نه کرده و در خدمت بشر قرار گرفته و نه در انحصار سرمایه جهانی، مستلزم مدیریت وهم آهنگی است که از چنگال اهریمن سرمایه داری بیرون آید.

تلافی اقتصاد چین و ایالات متحده در سال ۲۰۱۷ بعد از حقارت تاریخی چین، عظمت چین دوباره ترمیم شد. این ترمیم فقط در بعد اقتصادی بوده و فاقد بعد نظامی و تاثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست است. هرچند که عامل نظامی خود جز فاکتور اقتصادی است. چین بایست دوران طولانی گذار از این مرحله را متحمل شود و آن هم در صورت که جنگ و ضعیف ساختن یکدیگر در آن مدنظر گرفته نشود. در این راستا آمریکا دست بالایی دارد که میتواند برای سیاست جغرافیایی چین چالش زا باشد. برای تداوم هژمونی آمریکایی این یک فاکتور حتمی است.

جنگ نمودی از قدرت ملی است. اولویت سیاست بر اقتصاد فاکتور عمده در تعیین سرنوشت چین در آینده است، سیاست بنیاد پایه های اقتصادی را میسازد، چیزی که آمریکا فاقد آن است.

دگرگونی اوضاع نظامی که در حال تنظیم ساختارهای خود در سراسر جهان اند برای برتری رقابت های استراتژیک باز نگری کرده اند، روسیه که پیشتر همه بوده و همچنان انگلستان، فرانسه، آلمان و هند میباشد. چین در این دگرگونی به موقعیت دفاعی خود را آراسته که هرگز در ایجاد هژمونی و تجاوز به حوزه دیگران نباشد و مقاومت در برابر تعرض، استقلال تایوان، استقلال تبت، محافظت دریای چین جز عمده ان است.

انکشاف اقتصادی چین محصول استعمار و یا استثمار دیگران نبوده و این امتیاز عادلانه سیستم انسان محوری در افتخار خود دارد. در جهان معاصر ادغام کردن و آخرین تحول جهانی که محصول آن فناوری شتاب زده که انسان را در مسیر جدید شیوه زندگی رهنمون است، کتاب فرگشت در این راه گام های استوار بر پایه های اندیشه و علم برداشته است که پژوهش این فاکتور نا مرئی را در بر دارد. شاخص های تشریحی واژه های این پدیده که فاکتور های مختلف و عمده را در تبانی با یکدیگر قرار داده و از ان گفتمان واقعی را استخراج کند فقط در این پژوهش میتوان سراغ کرد، که در آن مکانیسم جهانی شدن به مثابه فرایند پویا تشخیص شده است و جهانی شدن نیازمندی گسترش شیوه تولید سرمایه داری بوده و شیوه تولید سرمایه داری در استانه سقوط قرار گرفته و کشور های خودمدار بر کلاسیک جایگاه تاریخی خود را از نو تعیین کنند. همچنان نظر به وابستگی های تولیدی در سطح جهانی بر خورد قدرت ها کمتر به نظر میرسد.



### **آرزوی تپش قلب من:**

باشند گان سرزمین های هندو کش و بابا بدون گذار از آتش و خون چندین نسل گذشته و بعد، به پیروزی برای عدالت علیه دژخیمان خارجی و حامیان سر سپرده مغشوش آنها دست نخواهند یافت، مگر به وسیله پراکتیک حقیقت را باید کشف کرد، آنرا اثبات کردو تکامل داد با ویژگی های خاص و عام. این آرمان تاریخی مردم ستم کشیده باید از طریق ملی گرایی از درون بسیج و میسر گردد. ما بسی سخت در حقارت ترین دوران تاریخی خود قرار داریم که لزوم باز نگری لازم این زمان تیره و تاریک است.





